هو

الواقف على ضمائر العباد من الخير والشر والفساد وصلى الله على محمد وآله

بسم الله الرحمن الرحيم وبه نستعين

سيدنا ومولانا سلطان ابو الحسن علي بن موسى الرضا عليه آلاف التحية والثنا

الحمد لله الواقف على السرائر والمطلع على الضمائر العالم بالبواطن والظواهر الخبير بما في القلوب والخواطر الرحيم بكشف الباساء والضراء الموفق صاحب المحراب والمنابر الرؤف بعفو الكبائر والصغائر الكريم الذي لا يمنع من فتح ابوابه ولا فاجر عالم علم الاشياء قبل ان يتجلى على الابصار والنواظر فخلق الانسان في احسن نظام واقوم تقويم وبسط الهمم اليه يفتقر من في تمام قوام همه القديم والصلوة والسلام على رسوله الواقف موقف رضاه المخلوق لاجله كل ما سواه فجعل النجاة لمن تبعه ووفاه والهالك من خالفه وعصاه وعلى اهل بيته سادة الداعين الى الحق القويم وقادة الهادين الى الصراط المستقيم الذين من تمسك بعروتهم ولا يتهم فهو في النعيم ومن تخلف عنهم

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله العلی العظیم و قادة الهادی الی الصراط المستقیم الذی من تمسک بعروته و بیمینه فهو فی النعیم و من تخلف عنه ثم

فهو فی العذاب الشدید و العقاب الالیم صلوة دائمة بدوام الابد و باقیة ببقاء السرمد لا سیما علی الامام الهدی الرضی المرتضی المجتبی المعتمد

و بعد ثنا و سپاس و وظایف محامد بیحد و بیحصر واهب السر و الخفیا و واهب البر و العطیا را سزاست که مشهد مقدس دل کامل که

سلطان ممالک رضا ست مطاف اشراف عاکفان حریم الطاف بی پایان اوست یا درد هم که خوان سالار فضل عمیمش موائد فواید و فی السماء رزقکم جهت

اطعام مستحقان ارادت گسترانیده سفره نوال بی زوال و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها برای اکرام مسکینان باز کشیده که بهمه کس از انعام عامش مدام بی برک

بهره در خور در خود خاص و عام از ادیم سفره عام اوست و لکما منعم انعام اوست و تحف صلوات تامات نامیات با برکات که مفاتیح میامن ابواب

نعمت جاودان بر کافه خلایق بگشاید و هدیه تحیات و تسلیمات که مفاتیح مواهب زواهی از افلوعا ابدان باشعه نور سرور منور کرداند نثار مرقد مطهر

و مضجع معطر سجاده نشین ان الله و سدره نشین عالم آفرینش و سرچشمه کلیات نور دانش و بینش نص اتم و ما ارسلناک علت غائی لولاک لما خلقت الافلاک

فص خاتم و لکن رسول الله و خاتم النبیین رسول اکرم ما ابی لکم رسول من انفسکم و کنت نبیا و آدم بین الماء و الطین صاحب مقام قاب قوسین او ادنی فصیح کلامه

و ما ینطق عن الهوی مخبر صادق ان هو الا وحی یوحی قائل فان سبحان الذی اسری شبری که لیل الیل کفر در بر سور اللشن و خبری که از نهار بتوش

خارستان شرک گلشن شده سفره کش معجزاتش قرص سیم زر کرده برای خوان خرصع دو نیم شو نمکدان خلیل از لبش صفوات حضرت مسند لشکر پادشاه که اصطفا

بشر و صف صفا مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم و وصی و ولی مرتضی و شقیق شفیق و یعنی امام امم و نخبه نخبه و الا دلشا و لاپیق التراما مطهرات ابیش

طاق شهرستان امامت ملبند رواق کشور وصایت کرامی خانه زاد بیت الله باب انا مدینة العلم و علی بابها مخصوص من کنت مولاه فهذا علی مولاه و اولاد امجاد

و اعقاب امجاد او که مثل اهل بیتی کمثل سفینة نوح من رکب فیها نجی کشتی شکستگان بحار معصیت و شافع مجرمان امت و ائمه دین و هداة راه یقین

و حامی حوزه مسلمین و کواکب برج امامت و لآلی درج هدایت اند علیهم افضل صلوات الله فی اوقات الصلوة ما دامت الشمس منیرا و القمر مستنیرا و بعد نظر بمضمون

[illegible] فاولئک یبدل الله سیئاتهم حسنات ... انا نحن نحیی الموتی و نکتب ما قدموا و آثارهم و قوله عز قائل الذین ینفقون اموالهم

ابو المظفر ناصر الدین شاه قاجار خلد الله ملکه و افاض علی العالمین و احسانه

ذو الوزارتین الاعظم مولانا میرزا محمد حسین خان مولی الانسان سپهسالار ادام الله شوکته و اجلاله

[illegible] الصلوة [illegible]

بلاغت مشحون آیه وفی امثالها و ما تقدموا لانفسکم من خیر تجدوه عند الله وقوله تعالی انا نحن نحیی الموتی ونکتب ما قدموا و آثارهم وقوله عز من قائل الذین ینفقون اموالهم
فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبلة مائة حبة والله یضاعف لمن یشاء و مضامین صادقه از احادیث حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه و آله و اخبار ائمه طاهرین
سلام الله علیهم اجمعین اذا مات ابن آدم انقطع عنه عمله الا عن ثلث صدقة جاریة و علم ینتفع به و ولد صالح یدعو له و باقی دلایل عقلیه و آثار نقلیه مستفیض و مستفاد میشود که
احسن وسایل و اشرف ذرایع که ارباب توفیق و اصحاب تایید بدان پای همت بلند نمایند و عنان نجات ارجمند کوس سعادت دارین و سعادت نشاتین در تخلیص از هلکات نیران و قصب السبق
در قرب زلفی با اصحاب جنان از همگنان بستانند ربودن التزام طریق خیرات و صدقات و تعهد اتیان مبرات العطیات و مبرات علی الخصوص بطبقه انقیه سادات عظام و علمای اعلام و اطفال ایتام
و فقرای اهل اسلام و چون در عهد دولت ابد مدت قاهره علیحضرت قدر قدرت قضا قدر همایون بندگان دارا دربان قیصر پاسبان شاهنشاه جم جاه ملایک سپاه ظل الله نخبه طوایف امم مفخر ملوک
عرب و عجم مد ملکه ابده والله یؤید بنصره من یشاء السلطان العادل و الخاقان العادل سلطان السلاطین و خاقان الخواقین السلطان ابن السلطان ابن السلطان و الخاقان
ابن الخاقان ابن الخاقان لازالت اعناق السلاطین ببابه خاضعة و جباه الخواقین بعتبته واضعة که جناح جلالت عظمت و شوکت انبساط نعمت فخامت و معدلت نصفت بهجت
و مکرمت و معالی انتساب شمس فلک الدولة و الاقبال و بدر سماء الشوکة و الاجلال مقتدر ذات منزه صفات سلاله دودمان مصطفوی نقاوه خاندان مرتضوی رافع
رایات عدل و احسان و قامع آیات ظلم و عدوان حامی الشریعة النبویة و محیی الطریقة القویمة المرتضویة خادم الضریح المقدس الحضرة الرضویة محمد و عماد الاعاظم و الاعیان
العلویه مولانا عضد الملک الدولة القاهرة البهیة القاجاریة اجری الله تعالی آثار معالیه علی صفحات الایام و ربط اطناب عمره و دولته باوتاد الخلود و الدوام بشرف تقبیل
عتبه علیه امام الانس و الجان مشرف و بمنصب جلیل تولیت آستان ملایک پاسبان منصب و نظام امور آستان منوره عرش درجه در قبضه قدرت و اقتدار و کف کفایت و لیاقت
جناب مستطاب جلالت مآب عالی بعضی مقرر بود که از کثرت اهتمام و مواظبت و حفظ و مراقبت در تکثیر منافع و آبادی املاک موقوفه سرکار
منافع مرفقی از خاصه و مطلقه بموقوف علیه از حضرات صاحب ترجمه ذی تسعات تمنای لرضی نمود که با امکان از اطیب مال حلال خود آثاری و یادگاری که رجوع
موقوفات آستانه منوره مقرر دارد چنانچه در این وقت شمه از توفیقات ربانی و شرذمه از تاییدات سبحانی شامل حال و کفیل امانی و آمال عالیجناب مقدس القاب مبادی
ادب سعادت نصاب تقوی ایاب خلاصة السادات الانجاب اشرف الحاج [illegible] خلف الصدق مرحوم مغفور آقا محمد سید [illegible]

... مرتبه ... از رفیع ... و شرف ... سبحانی ... آمالی ... القاب

آداب سعادت نصاب مرتضوی انتساب خلاصة السادات الانجاب اشرف الحاج حاجی میرزا نصرالله الحسینی خادم آستانه منوره دام عزه وشرفه خلف الصدق مرحوم مغفور آقا سید محمد

جواهری گردیده در حال صحت و قدرت و کمال عقل و اختیار بلا اکراه و اجبار بالطوع والرغبه تقربا الی الله تعالی وطلبا لمرضاة الکریم وقف مؤبد شرعی

وحبس مخلد ملی اسلامی نموده همگی تمامی مجری المیاه و محل عبور نصف شایع کامل که از اطیب مال حلال خود ابتیاع نموده بود از کل مزرعه شوراب واقعه در بلوک

میانولایت که محدود است از جنوب الکل از جدی به اراضی مزرعه اسلامیه از طرفی بتلال ... مزرعه ... و مزرعه حسن آباد از جانبی به تلال ... مسمی بجبل با کافه ملحقات شرعیه

ومنضمات عرفیه لها از اراضی و صحاری ابی زار و دیمه زار و آب و انهار و قلعه و حصار و مراتع و ... و محوطات و باغات و تلال و وهاد و غیرها و کلما یتعلق بها

عرفا که جزو از جمله مزرعه مزبوره دانند و شمرند بنسبت هذه من القلیل والکثیر والنقیر والقطمیر بر بیست نفر اطفال صغیر فقیر از سادات و غیره که علی الاستمرار در

حجره از حجرات صحن مقدس عتیق یا جدید امام الانس والجان شمع فروزان مصباح هدی کوکب تابان آسمان مجد و علا در عقیلة البحر بحرا ما کوهر ضیا صفا صدف

کرامت شاه بیت قصیده اصطفا و حسن مطلع دیوان ارتضا عالی که بی اشتغال شارق رای انورش مسائل غامض ... حل ... حکیمی ... افاضه ... اکمل ...

عقل کل محتاج امامی که اگر جذر و مد بحر ... سفینه غنیمتش کشتی شکستگان گرداب معصیت یکی ... بساحل نجات نکشد و همت ... که چنانچه ... عنایتش خضر طریق آوارگان

ضلالت نگردد کسی بسر منزل مقصود نرسد عرش و کرسی در جنب قصر و جناب محقر بقعه او طلس سپهر از ... رای جلالش کهن قبعه ... متولی فرمان ... دستور خطیر جهان

منتظم و آفرینش ناظر حکم محکمش امور ... بنیاد محکم کهکشان فلک اخضر شاه جاده ایست که افواج ملایک بجان و کشتی ... کاهش ... بند و سپهر زنگار گون خیمه ایست که

بقباب انجم و اشعه مهر آراسته در درگاه گردون ... آستان ... بدر الدجی شمس الضحی سید صاحب الصبر والحلم والعلم والرضا که در هر عصری از اعصار که جناب جلالت

مآب متولی باشی جلیل الشان آستان ملایک پاسبان مامور و مرخص فرمایند با تعیین معلم با خط و سواد و مقدس ظاهر العداله که قرار داده شده باشد بتعلیم علوم دینیه

و مسائل تکلیفیه اشتغال نمایند و هر یک بحد تکلیف رسیدند تبدیل بصغیر دیگر نمایند و از منافع و مداخل وقف مزبور بعد از وضع یکعشر جهة حق التولیه متولی

وقف مزبور و نصف عشر حق النظاره ناظر وقف مزبور و تنقیة القنوة و مخارج لازمه وقف مزبور هر روزی پنجزار بهر طفل صغیر در آستانه از وقف مزبور ...

داده ... که تماما ... یکهزار دینار ... ناصر الدین شاهی بیست ... شش نخودی ده ... یکتومان از بابت مستقل دیگر که واقف معظم الیه وقف ... نموده متولی ...

بقباب انجم و اشعهٔ مهر آراسته در درگاه کیوان اشتباه شهنشاهی بدر الدجی شمس الضحی سید صاحب الصبر والحلم والعلم والرضا که در هر عصری از اعصار که جناب ملاذ الانام

مآب متولی‌باشی جلیل‌الشأن آستان ملائک پاسبان مأمور و مرخص فرمایند با تعیین معلم با خط و سواد و مقدس ظاهر العداله که قرارداد شده باشد به تعلیم علوم دینیه

و مسائل تکلیفیه اشتغال نمایند و هر یک به حد تکلیف رسیدند تبدیل به صغیر دیگر نمایند و از منافع و مداخل وقف مزبور بعد از وضع یکعشر جهة حق التولیه متولی

و ثلث مزبور و نصف عشر حق النظاره ناظر وقف مزبور و تنقیه القنوة و مخارج لازمه وقف مزبور هر روزی مبلغ پنجزار به هر طفل صغیر ده استانان از وقف مزبور به کشاب معین

دار الخلافه طهران عامر که تمام آن یومی یکهزار دینار بال ناصر الدین شاهی بیست و شش نخود یک عدد یکتومان از بابت مستقل دیگری که واقف معظم الیه وقف و مقرر نموده متولی لزکار داده باید

جهة خوراک اطفال صغیر مکتب‌خانهٔ مزبوره و در لیالی مقدار دو حقه و ارکنده بوزن تبریز بسنگ شاه عباسی جهة حق الزحمه معلم صغار مکتب‌خانه مزبوره از مداخل وقف

مزبور باید بدهد بقسط مهمسانا معلم مکتب‌خانه مزبوره بدهد متولی وقف مزبور هر ششماه یکصد با اطلاع ناظر جلیل‌الشأن از مبلغ ششصد و ششتومان ایجرانه عامر موصوف بابت منافع

و مداخل مستقل فی التحقیق واقف موقوف مزبور به قسط الشهور از قرار ماهی پنجهزار دینار ایجر موصوف باید جهة حق السعی معلم کار بدهند که معلم مزبور کمال سعی و اهتمام و جد و جهد خود را

در تعلیم اطفال و صحت قرائت کلام الله و تعلیم مسائل دینیه و آداب ایشان بعمل آورده تغافل ننماید و هر یک از صغار مکتب‌خانه مزبور که به سرحد کبار رسیدند بهر اسال

مستا و تبدیل به صغیر دیگر خواهند نمود حسب القرار واقف معظم الیه فی ضمن العقد اللازم هرگاه از مستقل و التحقیق واقف بقدر مصارف نقدی مرقوم عمل نیاید از مداخل وقف مزبور رفع نقصان

از مصارف جنسی مرقوم بشود باید کسر نقدی را از اضافه مداخل وقف مزبور مهمسانا نمایند و هکذا بالعکس و اگر مداخل مزبور وقف وفا به مخارج مرقومه ننماید از عدد اطفال کسر بکند از بعد تزیید

که مداخل وفی بمخارج مرقومه نماید و هرگاه مداخل وقف مزبور مستقل و التحقیق دیگر و از مخارج مرقومه اضافه بیاید در ایام مرمت یستان صرف کالوچه و سوق اطفال صغار مکتب‌خانه مزبور نمایند

و اگر باز علاوه آید در اعیاد بالسویه صرف ملبوس ایشان نمایند وقف المغانم تولیت شرعیه وقف مزبور را مفوض نمود بنفس نفیس خود مادام فی قید الحیوة و بعد

از خود به اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور خود بطناً بعد بطن و نسلاً بعد نسل علی الترتیب مع التعدد هر یک اصلح به حال وقف بوده باشد الی ان ینقرض و بعد از

انقراض اولاد ذکور واقف جمیعاً اولاد ذکور اخوان واقف هر یک اصلح و اتقی باشند متولی وقف مزبور خواهد بود و نظارت شرعیه وقف مزبور را به جناب

بحار الانام معدلت انتساب عالی متولی‌باشی سرکار فیض آثار در هر عصری مفوض نمود که متولی شرعی وقف مزبور در هر عصری با اطلاع و نظارت جناب مستطاب معظم الیه

واقف عمل نموده تخلف و تجاوز ننمایند و در صورت انقراض اولاد واقف و اخوان واقف حد انحواسته جمیعاً تولیت و نظارت وقف مزبور مختص جناب مستطاب متولی‌باشی

متولی متبرکه خواهد بود و واقف معزی الیه عین موقوفه را از تحت تصرف و قید تملک خود اخراج و به تصرف وقف مزبور واگذاشت و خود تولیتاً قبض

نمود فصار وقفاً صحیحاً صریحاً شرعیاً ملیاً اسلامیاً بحیث لا یباع و لا یرهن و لا یوهب و لا یصالح فمن بدله بعدما سمعه فانما اثمه علی الذین یبدلونه تغییر دهنده

بلعنت ابدی و سخط سرمدی گرفتار باد و حاضر گردید عالیجناب قدوسی انتساب عزت و رفعت نصاب مجدت و نجدت ایاب صنیه جلالت الشأن اکمل الاصحاب

خیر الحاج حاجی میرزا حسین اخوی جناب واقف و اجازه و تصدیق وقف نمودند وقف مزبور را نمود و صیغه شرعیه به نحو مسطوره بالعربیه و الفارسیه علی

قانون الشریعة الاحمدیه صلی الله علیه و آله جاری و واقع شد و شهد کلاً جهة و قعنا شرعیه قلمی شد سوله ثانی عشر شهر ذی الحجة الحرام سنه اثنی ثمانی فی بعد الالف ۱۲۸۲